

The Exemplar of Prime Sovereignty
(Monotheistic System and Religious Democracy)

Received: 2021/4/21

Accepted: 2021/9/1

Ali Reza Tavakoli* / Gholamreza Goodarzi**

(267-288)

With codification of the constitution, the Islamic Republic has passed the stage of making system and is in the stage of the Islamic State. This research attempts to clarify the layers, dimensions, components, and principles of supreme ruling (prime sovereignty) based on monotheistic system and religious democracy. The resulting exemplar could provide a basis for redesigning the Islamic State. This research, first, presents a basic and codified theory based on documentary studies in the field of ruling and sovereignty, especially in Islamic thought, which then has been reviewed, criticized, revised and finalized through additional interviews and at the end in the meeting of experts. In the exemplar of prime sovereignty, the Vali e Faqih (supreme leader who is a Jurist) is the ruler and has three responsibilities: leading the Islamic nation, leading Islamic Republic and demanding the discourse of the Islamic Revolution. The exemplar prime sovereignty has two layers, the leadership (Imam) and the social system (Islamic nation/ Ummah), and the components of each layer are divided into two parts: The components of Islamic Republic and the components of Islamic Revolution (monitoring and evaluation). In the exemplar prime sovereignty there are 33 components for the Islamic Republic, divided into the leadership layer (fifteen components) and the social system layer (eighteen components) and 22 components for the Islamic Revolution, focusing on right, justice and people's satisfaction. Principles of the prime sovereignty are specified into 37 principles: Objective (six principles), Units (five principles), Relationships (seven principles), Resources (six principles), Mode (five principles), Environment (four principles) and Hierarchy and Complexity (four principles).

Keywords: Ruling, Sovereignty, Islamic Republic, Islamic Revolution, Imam and Nation of Islam

*. PhD Candidate of Future Studies, Tehran University of National Defense, Iran (corresponding author)-
Tavakoli@elenoon.ir.

** . Professor of Industrial Management, Imam Sadegh University, Tehran, Iran- rgodarzi@isu.ac.ir.



الگوی حکمروایی سرآمد (نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴

علی‌رضا توکلی* / غلامرضا گودرزی**
(۲۶۷-۲۸۸)

چکیده

جمهوری اسلامی با تدوین قانون اساسی، مرحله نظام‌سازی را پشت سر گذاشته است و در مرحله دولت اسلامی قرار دارد. مسئله این تحقیق این است که لایه‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها و اصول حکمروایی سرآمد مبتنی بر نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی چیست. الگوی به‌دست‌آمده می‌تواند پایه‌ای برای بازطراحی دولت اسلامی فراهم کند. در این پژوهش، با مطالعات اسنادی حوزه حکمرانی و حکمروایی به‌ویژه در اندیشه اسلامی، و نظریه پایه و مدون ارائه شده و سپس با مصاحبه تکمیلی و درنهایت در نشست خبرگان، بررسی، نقد، اصلاح و نهایی شده است.

در الگوی حکمروایی سرآمد، ولی فقیه حکمرواست و سه نقش هدایت امت اسلامی، رهبری جمهوری اسلامی و مطالبه‌گفتمان انقلاب اسلامی را برعهده دارد. لایه‌های حکمروایی سرآمد عبارت‌اند از رهبری (امام) و نظام اجتماعی (امت)، و مؤلفه‌های هر لایه به دو بخش مؤلفه‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی (نظارت و ارزیابی) تقسیم شده است.

در الگوی حکمروایی سرآمد، ۳۳ مؤلفه برای جمهوری اسلامی به تفکیک لایه رهبری (پانزده مؤلفه) و لایه نظام اجتماعی (هجده مؤلفه) و ۲۲ مؤلفه برای انقلاب اسلامی با محوریت حق، عدل و رضایت مردم مشخص شده است.

اصول حکمروایی سرآمد ۳۷ اصل به تفکیک هدف (شش اصل)، اجزا (پنج اصل)، روابط (هفت اصل)، منابع (شش اصل)، حالت (پنج اصل)، محیط (چهار اصل) و سلسله‌مراتب و پیچیدگی (چهار اصل) مشخص شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمروایی، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، امام و امت.

*. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)-

tavakoli@elenoon.ir

** استاد مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران - rgodarzi@isu.ac.ir

مقدمه

خداوند انسان را در بهترین شکل آفرید و نخستین خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی از آدم و حوا تشکیل شد و نسل بشر از این خانواده ادامه یافت و اجتماع شکل گرفت.

در زندگی اجتماعی، اموری وجود دارد که انجام دادن آنها، نیازمند وجود حکومت است. این امور که برگرفته از عهدنامه مالک اشتر در نهج البلاغه است عبارت‌اند از:

تأمین امنیت و جهاد با دشمنان؛

سامان‌دهی امور اجتماعی و بسترسازی برای اصلاح مردم؛

عمران و آبادی؛

وصول مالیات و تأمین هزینه‌های عمومی.

در نگاهی کلی به پهنه تاریخ بشر، می‌توان حکومت‌هایی را دید که حکمران به‌زور بر مردم سرزمینش حکم می‌راند. نمونه‌ای از این نوع، حکومت مغول‌ها در چین بود که ۱۵۰ سال طول کشید و زمانی از این سرزمین بیرون رفتند که چینی‌ها موفق شدند به کمک باروت، به فناوری ساخت تفنگ پرتاب‌کننده ساچمه‌های سنگی دست یابند و به کمک آن پس از دوازده سال مبارزه، مغول‌ها را از سرزمین چین بیرون کنند (مونی، ۱۳۸۷). روشن است که حکومت زورگویان و ظالمان برای هیچ جامعه‌ای مطلوب نیست.

خداوند حکیم برای هدایت جامعه، پیامبران الهی را مبعوث کرد و این پیامبران در شرایطی که امکان تشکیل حکومت وجود داشت، به اذن الهی و بر اساس احکام الهی زمان خود، حکومتی مشروع ایجاد کردند که حکمشان به‌عنوان امام بر امت، حجتی از خدا بود و به معنای کامل کلمه، حکمروا بودند. نمونه‌ای از این حکومت، حکمروایی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در مدینه‌النبی است.

تجلی‌تداوم این حکومت در روز غدیر خم بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دین خدا را کامل و نعمت خداوند بر بندگانش را تمام کردند و امیر مؤمنان، علی رضی الله عنه را به ولایت امور مسلمانان پس از خود منصوب فرمودند و بشارت دادند که دوازده امام از امیر مؤمنان علی رضی الله عنه تا حضرت

مهدی علیه السلام امامت امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را برعهده خواهند داشت و آنها را عترت و اهل بیت خود نامیدند که بر اساس کتاب الهی عمل می‌کنند و این دو را ثقل گران‌بها خواندند و تأکید کردند که این دو از هم جدایی ناپذیرند و مردم را به تبعیت از آنها سفارش کردند که هرکس از آنها عقب بماند نابود می‌شود و هرکس از آنها جلو بزند، از دین خارج شده و هرکس همراه آنها باشد، در کشتی نجات سوار شده است و هرکس آنها را ترک کند، غرق می‌شود. غیبت حضرت مهدی علیه السلام شرایط را تغییر داد. مردم از نعمت حضور علنی امام معصوم که سخن، رفتار و سکوتش حجت و حکمش روا و مشروع بود محروم شدند. تا مدتی نواب اربعه رابطه امام و مردم را برقرار کردند، ولی دیری نپایید که غیبت کبرا آغاز شد. سؤالی که در این مدت مطرح بوده این است که در زمان غیبت امام معصوم، حکم چه کسی روا و مشروع است و می‌تواند حکمروای مسلمانان باشد.

پاسخ به این سؤال، محل بحث‌ها و نقدهای زیادی بین اندیشمندان اسلامی و فقیهان شده و در نگاهی کلی و با چشم‌پوشی از بعضی شاخه‌های فرعی، می‌توان نظریه‌های مشروع بودن حاکم و روا بودن حکم را به دو نظریه اصلی تقسیم کرد:

نظریه انتصاب که انتصاب عام توسط امام زمان علیه السلام را مبنای مشروعیت فقیه جامع‌الشرایطی می‌داند که امکان حکومت برای او فراهم شده است؛

نظریه انتخاب که علاوه بر شرط انتصاب عام، انتخاب مردم را هم برای مشروعیت حکومت فقیه جامع‌الشرایط لازم می‌داند (لکزایی، ۱۳۹۲).

باینکه ممکن است در نگاه اول این دو نظریه قابل جمع نباشد، درواقع یکی از هنرهای نظام‌سازی جمهوری اسلامی در اصل ۱۰۷ قانون اساسی این است که سازوکار مجلس خبرگان، به گونه‌ای طراحی شده است که هر دو نظریه انتصاب و انتخاب را دربرمی‌گیرد. وظیفه مجلس خبرگان طبق نظریه انتصاب عبارت است از: «کشف ولی فقیه جامع‌الشرایط اعلم» و وظیفه مجلس خبرگان طبق نظریه انتخاب عبارت است از «انتخاب ولی فقیه جامع‌الشرایط به نمایندگی از مردم». بنابراین در هر دو صورت، ولی فقیه تعیین شده توسط مجلس خبرگان، حکمرواست. حضرت امام خمینی علیه السلام در اردیبهشت ۱۳۶۸ در این زمینه

چنین بیان می‌کنند: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را برعهده بگیرد، رهبری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولیّ منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲۱: ۳۷۱).

جمهوری اسلامی با تدوین قانون اساسی، مرحله نظام‌سازی را پشت سر گذاشته است و در مرحله دولت اسلامی قرار دارد. مسئله این تحقیق این است که لایه‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها و اصول حکمروایی سرآمد مبتنی بر نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی چیست. الگوی به‌دست‌آمده می‌تواند پایه‌ای برای بازطراحی دولت اسلامی فراهم کند.

روش این پژوهش این است که با مطالعات اسنادی حوزه حکمرانی و حکمروایی به‌ویژه در اندیشه اسلامی، نظریه پایه و مدون ارائه و سپس با مصاحبه تکمیلی و درنهایت در نشست خبرگان، بررسی، نقد، اصلاح و نهایی شده است.

نظام توحیدی

الگوی حکمروایی مد نظر در این مقاله مبتنی بر نظام توحیدی است و اصول توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد را دربرمی‌گیرد. در این بخش اصل توحید به‌عنوان محور حاکمیت الهی توضیح داده می‌شود. اساس دعوت همه انبیا که در قرآن ذکر شده، دعوت به توحید است.^۱ برداشتی که از آیات قرآن در این موضوع می‌شود، این است که پرستش و عبادت، فطری است و انسان ناگزیر از انتخاب معبود است و معبودی جز الله هم در عالم نیست و الله تبارک و تعالی آن حقیقتی است که صاحب همه اسمای حسناست. همه نظام آفرینش بر اساس اسما استوار و قائم است.^۲ این اسمای الهی است که در همه نظام خلقت، در همه عالم جاری است و همه عالم را اداره می‌کند. نسبت انسان با اسمای الهی این است که انسان فقیر است و خدا غنی و حمید است.^۳ به نظر می‌رسد رحمت الهی واسطه بین همه

۱. «الا تعبدوا الا الله» (هود: ۲۶)؛ «یا انما الهکم اله واحد» (کهف: ۱۱۰).

۲. «و بأسمانک الّتی ملات اركان کلّ شیء» (دعای کمیل).

۳. «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر: ۱۵).

اسمای الهی و انسان است و خداوند متعال به بندگان خود اختیار داده است که الوهیت حضرت حق را بپذیرند و طاغوت را نفی کنند و در این صورت خداوند متعال ولایت انسان را برعهده می‌گیرد و مؤمن را از ظلمات به سمت نور سیر می‌دهد، ولی اگر نپذیرفت، از ولایت الله بیرون می‌رود و تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرد و از وادی نور خارج می‌شود و به سمت ظلمات حرکت می‌کند.^۱

پس موحد شدن انسان، سیر در درجات توحید به هدایت، ولایت و نور الهی است. ولایت الهی از طریق خلفای الهی اعمال می‌شود و آنها هستند که مؤمن را در درجات توحید و در وادی نور سیر می‌دهند. این موضوع در سوره نور توضیح داده شده است.

نور الهی که مبدأ هدایت همه عوالم است اول متمثل در پیامبر اکرم ﷺ می‌شود. نور نبی اکرم ﷺ همه کائنات را روشن می‌کند. این نور در خانه‌هایی می‌آید که خداوند متعال اجازه ذکر را در این خانه‌ها داده است. در واقع این آیات بیان می‌کنند که تنزل نور الهی تا خانه‌ها چگونه است. در روایات ذیل آیه نور، مثل نور به رسول اکرم ﷺ، مشکات به قلب و صدر ایشان و در بعضی روایات به حضرت زهرا^{علیها السلام} تفسیر شده و «نور علی نور» به امامان معصوم تعبیر شده است.

سیر صعود انسان برعکس است؛ یعنی از خانه‌های ذکر شروع می‌شود و تا سیر در مشکات نور و تا رسیدن به مثل نور و بالا رفتن در درجات توحید ادامه دارد. آغاز سیر انسان همین نقطه است و اگر الوهیت خداوند را بپذیرفت، که البته مقدمه اش کفر به طاغوت است، سیر او با ولایت الله خواهد بود. در این حالت، انسان وارد بیت‌النور می‌شود و با ولایت الله سیر می‌کند تا به سرچشمه نور که حقیقت نور امام و کنه نورانیت امام است برسد که همان وادی توحید و ولایت خداوند متعال است.

در توحید سه مرحله وجود دارد: مرحله اول اقدام فردی است، مثل اینکه انسان نماز می‌خواند، زکات می‌دهد، روزه می‌گیرد و حج می‌رود؛ مرحله دوم اشاعه است که انسان بستری برای گسترش یک عبادت فراهم کند، مثلاً مسجد بسازد؛ مرحله سوم اقامه است؛

مرحله‌ای که ساختارهایی ایجاد می‌شود که فرهنگ جامعه را تغییر می‌دهد و نظام ارزشی یک جامعه بر مدار شرع قرار می‌گیرد.

برداشت دیگری از وادی توحید و وادی کفر و شرک در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم هست: توحید شجره طیبه‌ای است که اصل و ریشه‌اش ثابت و فرعش در آسمان است و در هر زمان میوه می‌دهد. در مقابل هم کفر است که شجره خبیثه و ناپاکی است که از روی زمین روییده است و قرار و ریشه‌ای ندارد. در روایات، اصل درخت توحید، نبی اکرم ﷺ و تنه اصلی آن، امیر مؤمنان ﷺ و شاخه‌هایش، معصومان ﷺ و برگ‌هایش، شیعیان بیان شده است.

پس خلاصه بحث اینکه همه حوزه‌های اختیار انسان که حوزه مسئولیت اوست، اعم از حوزه‌های ظاهری و باطنی، حوزه خصوصی و زندگی اجتماعی و تاریخی انسان، باید تحت ولایت امام حق که وادی توحید است قرار بگیرد و از ائمه ضلال که وادی کفر هستند، تبری جوید و فاصله گیرد.^۱

حکمرانی و حکمروایی

کلمات حکمرانی و حکمروایی را می‌توان معادل هم استفاده کرد، ولی در این مقاله حکمروایی به نوع حکومتی گفته می‌شود که در نظام توحیدی مشروع است و به سایر انواع حکومت، حکمرانی گفته می‌شود که این تمایز در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: تمایز حکمروایی با انواع حکمرانی

نوع حکومت	نام حکومت	حاکم	قانون حکومت	تداوم حکومت	مصادق
حکمروایی	جمهوری اسلامی	ولی فقیه	قانون اساسی و قانون مجلس مبتنی بر کتاب الهی	مجلس خبرگان	ایران
حکمرانی	استبدادی	شاه دیکتاتور	حکم شاه	موروثی	عربستان

۱. مطالب بخش نظام توحیدی از مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله سیدمحمد مهدی میرباقری که در موضوع مبانی تمدن نوین اسلامی در خرداد ۱۳۹۵ بیان شده، اقتباس شده است.

انگلیس	موروثی	قانون مجلس	شاه + منتخب ملت	سلطنتی مشروطه	حکمرانی
امریکا	دمکراسی	قانون مجلس	منتخب ملت	جمهوری چندحزبی	حکمرانی
چین	دمکراسی	قانون مجلس حزبی	هیئت حاکمه حزب	جمهوری تک حزبی	حکمرانی
آلمان نازی	انتخاب رهبر	قانون مجلس تحت نفوذ حاکم	رهبر کاریزما	جمهوری فاشیسم	حکمرانی
رژیم صهیونیستی	دمکراسی آپارتاید	قانون مجلس منتخب آپارتاید	منتخب آپارتاید	جمهوری آپارتاید	حکمرانی

الگوی حکمروایی سرآمد

در فلسفه برای به وجود آمدن هر چیزی، چهار علت ذکر کرده اند:

علت فاعلی: به وجود آورنده آن چیز، مانند معمار و تیم در اختیار او برای خانه سازی؛

علت صوری: صورت آن چیز که بر اساس آن از بالقوه به بالفعل تبدیل می شود، مانند

نقشه مهندسی خانه؛

علت مادی: موادی که آن چیز از آن مواد ایجاد می شود، مانند مصالح ساختمانی؛

علت غایی: دلیل و چرایی ایجاد آن چیز، مانند سکونت در خانه سازی.

بر اساس تعاریف فوق می توان چهارچوب الگوی حکمروایی سرآمد را در جدول ۲

نشان داد:

جدول ۲: علل چهارگانه در الگوی حکمروایی سرآمد

چهارچوب الگوی حکمروایی سرآمد	علل چهارگانه
امام و امت	علت فاعلی
لایه های رهبری و نظام اجتماعی در جمهوری اسلامی و لایه نظارت و ارزیابی در انقلاب اسلامی	علت صوری
مؤلفه های حکمروایی سرآمد	علت مادی
اصول حکمروایی سرآمد	علت غایی

الگوی حکمروایی سرآمد با حرکت از نظام توحیدی و ارزش‌های الهی به نظام اجتماعی و مردم‌سالاری دینی طراحی شده است. قلب این الگو حق، عدل و رضایت مردم است.

۱. نقش ولیّ فقیه در الگوی حکمروایی سرآمد

ولیّ فقیه در نظریه ولایت فقیه حضرت امام علیه السلام با اینکه معصوم نیست، همه مسئولیت‌ها و مأموریت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را با همه گستردگی آن برعهده دارد که شامل امور تقنینی، قضایی و اجرایی هم هست. در الگوی حکمروایی سرآمد این مسئولیت‌ها در سه نقش زیر دسته‌بندی شده است:

هدایت امت اسلامی (فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور)؛

رهبری جمهوری اسلامی؛

مطالبه گفتمان انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی.

۲. جایگاه مردم در الگوی حکمروایی سرآمد (مردم‌سالاری دینی)

الف) در تأسیس حکومت: در الگوی حکمروایی سرآمد، حکومت قدرت‌ش را از مردم و مشروعیتش را از ولایت خداوند متعال می‌گیرد. بنابراین تأسیس حکومت نمی‌تواند به اجبار و تحمیلی باشد و تنها از طریق خواست مردم امکان‌پذیر است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت را در دست داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۴۲).

ب) در اداره حکومت: در اداره جامعه مردم نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و نقش دولت محدود به چهار بخش است:

تأمین امنیت و جهاد با دشمنان؛

سامان‌دهی امور اجتماعی و بسترسازی برای اصلاح مردم؛

عمران و آبادی؛

وصول مالیات و تأمین هزینه‌های عمومی.^۱

۱. برگرفته از فرمایش حضرت امیر علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر.

در الگوی حکمروایی سرآمد آزادی مشروع مردم، مشورت با مردم، خدمت به مردم، نظارت عمومی مردم، مشارکت و حضور مردم و وحدت کلمه به رسمیت شناخته شده است: آزادی مردم: در حکمروایی سرآمد، آزادی مردم در محدوده قانون، اصل است و قانون‌گذار هم در تدوین قانون نباید آزادی مردم را فراتر از محدوده کتاب الهی محدود کند و لازم است در مسیر حرکت مردم، بستر انتخاب‌های گوناگون را فراهم کند. حاکمیت آزادی و اراده انتخاب مردم را پذیرفته است و با آگاهی بخشی می‌کوشد بستر انتخاب آگاهانه مردم را برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت فراهم کند؛

مشورت با مردم: در حکمروایی سرآمد تصمیمات اصلی با مشورت مردم گرفته می‌شود. مشورت با اصناف، نخبگان، مراکز علمی و پژوهشی از مصادیق این مشورت است. انتخابات و شوراها تشکیل شده از منتخبان مردم، یکی از مصادیق مشورت با مردم است؛

نظارت عمومی: در حکمروایی سرآمد نظارت عمومی مردم بر مردم و بر حکمروایی به رسمیت شناخته شده و لازم است بستر اعمال این نظارت‌ها توسط حاکمیت فراهم شود. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد» (همان، ج ۱۵: ۱۷)؛

مشارکت و حضور مردم: در حکمروایی سرآمد اعتقاد بر این است که اداره جامعه توسط مردم انجام می‌شود و هر کاری که توسط ملت قابل انجام است نباید توسط دولت انجام شود. دولت رقیب ملت نیست، بلکه خدمتگزار ملت و تعادل‌بخش است و سامان‌دهی و تنظیم امور اجتماعی را برعهده دارد تا تعاملات بین مردم به خوبی انجام شود. همه کارهایی که بخش‌هایی از آن توسط مردم انجام‌شدنی است، فرایندها یا پروژه‌های مشترک بین دولت و مردم تعریف می‌شود. دولت متکی به مردم است و منافع عمومی مردم بر منافع افراد خاص و بیگانگان ترجیح داده می‌شود. توفیقات حاصل شده در گذشته انقلاب اسلامی و آینده جمهوری اسلامی نیز در حمایت و پشتیبانی یک‌دست آحاد ملت است. یکی از مصادیق حضور مردم، حضور در انتخابات و تعیین سرنوشت خود است. البته همان‌قدر که

مردم مکلف به حضور در انتخابات و انتخاب اصلح هستند، نظام هم مکلف به در معرض قرار دادن کاندیداهای مناسب در برابر رأی مردم است؛

وحدت کلمه: حکمروایی سرآمد رمز پیروزی انقلاب اسلامی را وحدت کلمه می‌داند و تا وقتی اقشار مختلف باهم انسجام و وحدت داشته باشند، هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند اراده‌اش را بر ملت و دولت تحمیل کند. لازمه این انسجام، توجه عادلانه دولت به اقشار مختلف به ویژه محرومان و مستضعفان از هر قوم و مذهبی و رعایت مصالح مردم سرزمین و ملاحظات زیست‌محیطی است.

وظیفه حکمروایی، خدمت به مردم و تأمین حقوق مردم و انجام تکالیفی است که در برابر مردم دارد. متقابلاً هم مردم باید تکالیف خودشان را در برابر حکومت انجام دهند. حکومت باید تمام تلاش خود را بکند تا رضایت مردم را تأمین کند و اعتماد عمومی مردم به حکومت حفظ شود.

منت نگذاشتن بر سر مردم در قبال کارهای انجام‌شده، مبالغه نکردن در گزارش عملکردها، پرهیز از دادن وعده‌های بدون عمل، خودداری از خودمحوری و خودخواهی در قبال مردم، امر و نهی نکردن به مردم به‌واسطه برخورداری از مقام و منصب، تلاش برای کسب رضایت مردم و خودداری از کسب رضایت صاحبان قدرت و ثروت، از وظایف مهم مسئولان نظام اسلامی است.

۳. لایه‌های حکمروایی سرآمد

در نگاهی کلان، لایه‌های حکمروایی را می‌توان به سه لایه رهبری (امام)، نظام اجتماعی (امت) و نظارت و ارزیابی تقسیم کرد. هدایت و رهبری حکمروایی توحیدی باید بر اساس قانون الهی انجام شود. اداره نظام اجتماعی توسط امت باید بر اساس مقررات ارزش‌آفرین که منبعث از قانون است انجام شود و تعامل بین کارگزاران و نهادهای اجتماعی با مردم باید بر اساس قواعد کارآمد باشد. شاخص اصلی ارزیابی لایه رهبری، حق، لایه نظام اجتماعی،

عدل و لایه ارزیابی، رضایت عموم مردم است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴).^۱ این لایه‌ها در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: لایه‌های الگوی حکمروایی سرآمد

الف) لایه رهبری (امام): مؤلفه‌های لایه رهبری در ابعاد مبانی، رسالت، تدبیر و افق دسته‌بندی شده است. هدایت باید مبتنی بر فطرت باشد.^۲ بنابراین در این الگو، مؤلفه‌های مبانی مبتنی بر فطرت در نظر گرفته شده است. در همه نظریه‌های مرتبط با فطرت انسان، سه بعد پرستش، پرسش و زیبایی جویی وجود دارد (شیراوند، ۱۳۸۸) که مؤلفه‌های دین‌داری، عقلانیت و هنرورزی از آن استنباط می‌شود. به عبارت دیگر، مبانی و آرمان حکمروایی سرآمد باید خدامحور، عاقلانه و هنرمندانه باشد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد رسالت، اقلیم زیست، استقلال، امنیت، اقتدار و وحدت کلمه است. اگر اقلیم شرایط زیستن را نداشته باشد، زندگی امکان‌پذیر نیست. اگر کشوری استقلال نداشته باشد، به جای حکم الهی یا حکم مورد نیاز مردم و جامعه، حکم کسانی که بر آن کشور تسلط دارند و در شبکه جهانی نظام ظلم و سلطه قرار دارند، اجرا خواهد شد و در کشوری که امنیت برقرار نباشد، تمام ابعاد حکمروایی تحت تأثیر این موضوع قرار خواهد گرفت و کشوری که اقتدار نداشته باشد، نمی‌تواند امنیت پایدار خود را تأمین کند.

۱. در نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر چنین فرموده‌اند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ؛ و باید بهترین کارها در نزد تو، متوسط‌ترین آنها در حق و فراگیرترین آنها در عدالت و جامع‌ترین آنها در رضایت عموم مردم باشد.»

۲. روم: ۳۰: «روی خود را متوجه آیین حق‌گرا کن که این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، که دگرگونی در آفرینش خدا نیست.»

وضعیت کشور سوریه در جنگ نیابتی با داعش، مصداق روشنی از این موضوع است. مهم‌ترین مؤلفه بعد تدبیر در جامعه، قانون است که از یک طرف باید مبتنی بر کتاب الهی و از طرف دیگر باید متناسب با شرایط جامعه باشد. فرهنگ به‌عنوان قانون نانوشته و عادت مرسوم، بر هر دو این مؤلفه‌ها حاکم است. بنابراین مؤلفه‌های بعد تدبیر در جامعه عبارت‌اند از فرهنگ، قانون و جامعه.

فطرت (دینداری، عقلانیت، بهرورزی)	مبانی	لایه رهبری (امام)
اقلیم زیست، استقلال، امنیت، اقدار، وحدت‌گم	رسالت	
فرهنگ، قانون، جامعه	تدبیر	
چشم‌انداز، راهبردهای آینده، کادرسازی	افق	

شکل ۲: ابعاد و مؤلفه‌های لایه رهبری (امام) در الگوی حکمروایی سرآمد

افق حکمروایی مبتنی بر چشم‌انداز است که وضع مطلوب کشور را ترسیم می‌کند. برای رسیدن به چشم‌انداز ترسیم‌شده، باید راهبردهای آینده مشخص و کادر لازم برای اجرای این راهبردها برای آینده تربیت شود. بنابراین مؤلفه‌های اصلی افق حکمروایی عبارت‌اند از: چشم‌انداز، راهبردهای آینده و کادرسازی. مسئولیت لایه هدایت و رهبری برعهده ولیّ فقیه است. ابعاد و مؤلفه‌های لایه رهبری در شکل ۲ ترسیم شده است؛

ب) لایه نظام اجتماعی: مسئولیت لایه نظام اجتماعی برعهده امت است که از چهار بعد دولت، کارگزاران و نهادها، سازمان و خانواده تشکیل شده است. در بعد دولت، باید توجه داشت که در کشور، افراد و نهادها و شرکت‌هایی هستند که قدرت دارند و سیاست در اداره کشور در این الگو، به معنای تنظیم روابط قدرت است که ظرفیت کشور (شامل اقتصاد کلان) را در راستای منافع ملی و عمومی شکوفا کند. بنابراین مؤلفه‌های دولت عبارت‌اند از: قدرت، سیاست و ظرفیت که در نتیجه آن قدرت نباید آزادی را پای‌مال کند، سیاست باید با کرامت همراه باشد و ظرفیت کشور شکوفا شود.

پیتر اوآنز، نویسنده و پژوهشگر سازمان ملل، در تحقیقی مفصل به نقش دولت‌های سه کشور برزیل، هند و کره جنوبی در توسعه پرداخته و نتایج این تحقیق را در کتاب توسعه یا چپاول منتشر کرده است. او دولت‌های توسعه‌گرا را برخوردار از ویژگی «استقلال متکی به

جامعه» می‌داند و چهار نقش محوری قابلیت، پرورشگری، تولی‌گری و تصدی‌گری را برای دولت توسعه برمی‌شمرد. او در این کتاب تأکید دارد که تصدی‌گری فقط در مواقعی برعهده دولت است که نقش مهمی در توسعه کشور داشته باشد و مردم شرایط برعهده گرفتن آن مسئولیت را نداشته باشند (اوانز، ۱۳۸۲). الگوی حکمروایی سرآمد، نقش کارگزاران را که غیردولتی هستند و بر اساس قواعد تعریف شده توسط دولت، تعامل بین مردم و دولت را برعهده دارند پررنگ می‌بیند. این کارگزاران باید بر اساس فرایند تدوین شده، نقش‌هایی را که برعهده دارند با انگیزه و استفاده از افراد شایسته و به کمک امکانات و توانمندی‌های لازم به خوبی انجام دهند. باتوجه به پیشرفت‌های اخیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، کارگزار می‌تواند واسطه نرم‌افزاری باشد.

اداره سازمان‌ها و شرکت‌ها باید بر اساس مقرراتی باشد که ذیل قانون‌های مصوب تهیه شده‌اند. بنابراین مقررات یکی از مؤلفه‌های مدل سازمان است. از بین مؤلفه‌های سازمان، دو مؤلفه اصلی «سازمان‌دهی و هماهنگی» و «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» که در حکمروایی مهم‌تر به نظر می‌رسد انتخاب شده است.

دولت	قدرت، سیاست، خفیت	لایه نظام اجتماعی (امت)
کارگزاران و نهاد	قواعد، نقش، فرآیند، انگیزش، شایستگی و توانمندی	
سازمان	مقررات، ثروت، سازماندهی و هماهنگی، مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی	
خانواده	اشتغال و معیشت، ازدواج، مسکن، سلامت، پرورش فرزندان	

شکل ۳: ابعاد و مؤلفه‌های لایه نظام اجتماعی در الگوی حکمروایی سرآمد

در نگاه دینی، توجه عمیقی به خانواده به‌عنوان واحد پایه اجتماع شده است. تشکیل خانواده، نیازمند اشتغال و معیشت است که امکان ازدواج، تأمین مسکن و اداره اقتصادی خانواده را فراهم کند و مؤلفه اصلی دیگر خانواده، سلامت جسمی، روحی، روانی و معنوی است که شرایط لازم برای پرورش درست فرزندان را فراهم می‌کند. در شکل ۳ ابعاد و مؤلفه‌های لایه نظام اجتماعی در الگوی حکمروایی سرآمد ترسیم شده است؛

پ) گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان لایه نظارت و ارزیابی جمهوری اسلامی: در الگوی حکمروایی سرآمد، ولیّ فقیه علاوه بر نقش هدایت امت اسلامی و رهبری جمهوری اسلامی، نقش مطالبه‌گفتمان انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی را نیز برعهده دارد. به‌عبارت‌دیگر، جمهوری اسلامی ساختاری است که انتظار می‌رود اهداف و نتایج مورد انتظار گفتمان انقلاب اسلامی را در عمل محقق سازد. بنابراین این نقش، مسئول لایه نظارت و ارزیابی است. در شکل ۴ نتایج مورد انتظار گفتمان انقلاب اسلامی در هر یک از ابعاد لایه‌های رهبری، نظام اجتماعی و نظارت و ارزیابی ترسیم شده است:

لایه نظارت و ارزیابی (امام)		ابعاد	لایه
اصول حکمروایی سرآمد (نظام توپدی و مردم‌سالاری دینی)	مؤلفه‌های انقلاب اسلامی	مبانی	لایه رهبری (امام)
	استقرار معنویت و ارزش‌های الهی	رسالت	
	عزت، هوشمندی، مقابله با ظلم و نظام سلطه	تدبیر	
	حاکمیت اخلاق و قانون	اتفاق	لایه نظام اجتماعی (امت)
	پیشرفت و کارآمدی	دولت	
	آزادی، کرامت، سکوفانی	کارگزاران	
	تأمین حقوق و تکالیف	و نهادهای	
	خدمت به مردم، نظم و اعتماد عمومی	سازمان	
بهره‌وری، شفافیت و مبارزه با فساد	خانواده		
ترتیب دینی و کاهش آسیب‌های اجتماعی			

شکل ۴: ابعاد و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی در الگوی حکمروایی سرآمد

مصادق‌هایی از مطالبات گفتمان انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی، در سخنان

حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان نمونه بیان می‌شود:

عزت، هوشمندی، استقلال، امنیت و پیشرفت:

هر ملتی و کشوری در طول زندگانی ممتد خویش، دوران‌هایی و حوادثی را می‌گذراند که تأثیر آن در سرنوشت تاریخی او بسی تعیین‌کننده و ماندگار است و

می‌تواند او را به نیک‌بختی و عزت و اقتدار یا سیه‌روزی و ذلت و حقارت بکشاند. این حوادث هر چند سال‌ها به طول انجامد، در مقایسه با عمر ملت‌ها، در حکم لحظه‌ای زودگذر است و اگر ملتی در تندباد چنین حوادثی قرار می‌گیرد از خود اراده و هوشمندی و ایمان و استقامت نشان دهد، قله‌های شرف و بهروزی را فتح می‌کند و قدم در جاده پیشرفت و تعالی می‌گذارد و با هر گردنه دشوار و سنگلاخی مواجه شود از آن عبور می‌کند و خود را به هدف می‌رساند. ولی اگر ضعف و تن‌پروری و دل‌سپردن به لذت و راحت موقت و ناهوشمندی و بی‌ارادگی و بی‌ایمانی گریبان‌گیر او شود، آینده خود را تباه می‌کند و دستخوش ذلت و اسارت و وابستگی می‌شود، همه سختی‌ها و گرفتاری‌های ملل عالم که ناشی از وابستگی و اسارت است پی‌درپی و به تدریج بر او می‌تند و او را دچار بدبختی دنیا و آخرت می‌کند. ملت‌های پیشرو و موفق جهان در همه دوران‌ها ملت‌هایی هستند که در یکی از چنین لحظه‌های تاریخی تصمیمی شرافتمندانه و شجاعانه گرفته و سختی‌های مجاهدت و پایداری را با شوق و شور تحمل کرده‌اند و خود را با تلاش و هوشمندی به نقطه امن و عزت و استقلال رسانده‌اند (پیام امام خامنه‌ای به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۱)؛

کارآمدی، مبارزه با فساد و خدمت به مردم:

القای ناکارآمدی نظام، متوجه مسئولین کشور است. در قوای مجریه، قضائیه، مقننه، در نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و همه مؤسساتی که کاری از کشور را برعهده دارند، مدیران باید خود را برای مدیریت کارآمد و لایق، آماده و مجهز کرده و برای مردم کار کنند. وقتی از نهضت خدمت‌رسانی حرف می‌زنم، به این جهت است. وقتی می‌گویم برای خدمت به مردم مسابقه بگذارید، به این دلیل است. تأکید من بر مبارزه با فساد هم به همین علت است؛ زیرا اگر مدیری خدای نخواست فاسد شد، دیگر نمی‌تواند به مردم خدمت کند و برای آنها مفید باشد. پس اول باید کارآمدی نظام را نشان داد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار نوروزی با زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱)؛

مقابله با نظام سلطه و کادرسازی: رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام در سخنان مهمی به تبیین منطبق قرآنی و اسلامی «جهاد

کبیر» به معنای «ایستادگی و تبعیت نکردن از جبهه استکبار» و ابعاد و الزامات آن در نظام جمهوری اسلامی پرداختند و با اشاره به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های گسترده جبهه استکبار برای نفوذ و تغییر هویت نظام اسلامی، گفتند: «مهم‌ترین وظیفه کنونی مراکز دانشگاهی و حوزوی، عناصر و جوانان مؤمن و انقلابی، و همچنین سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، "اقدام سنجیده و هوشمندانه برای تبیین و روشن‌گری ژرفا و عمق شعارهای انقلاب" و "پرهیز از اقدامات سطحی"، "کادرسازی برای آینده"، و "تدوین علمی تجربه‌های متراکم و شگفت‌انگیز انقلاب در طول ۳۸ سال گذشته" است» (بیانات امام خامنه‌ای در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳)؛

قانون و اعتماد مردم: «مجلس شورای اسلامی از جمله افتخارات کشور و نظام انقلابی ماست؛ زیرا مظهر اعتماد مردم و محصول رأی و اراده آنان و وسیله حضور تعیین‌کننده آنان در گزینش گردانندگان امور کشور و نیز در تقنین قوانین حاکم بر حرکت عمومی کشور است» (پیام امام خامنه‌ای به نمایندگان مجلس سوم در پایان دوره در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۵)؛ خانواده، اجتماع و کاهش آسیب‌های اجتماعی:

آسیب‌های اجتماعی مانند آسیب‌های طبیعی‌اند. مانند زلزله که می‌تواند بنای خانه‌ها را تخریب کند، این آسیب‌ها بنیان خانواده و اجتماع را بر هم می‌ریزد. اگر به‌موقع و به‌هنگام شناخته شود و یا پیشگیری شود، احتمال کاهش خسارت‌ها افزایش خواهد یافت؛ اما اگر نسبت به آن غفلت شود، خدای نکرده ممکن است بنای جامعه را متزلزل کند. درست است که ما در کشور در درجه اول مسئله اقتصاد را داریم و خود مشکلات اقتصادی هم [به‌عنوان] یکی از آن عوامل ریشه‌ای این مفسد، مورد توجه ماست، لکن مسئله مفسد اجتماعی با شرحی که در جلسه قبل داده شد، یکی از بیماری‌هایی است که هر روزی که بر آن بگذرد و علاج نشود، عمق بیشتری پیدا می‌کند و علاجهش دشوارتر خواهد شد. لذا مسئله فوق‌العاده مهم است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۱).

۴. چهارچوب الگوی حکمروایی سرآمد

باتوجه به مطالبی که در بخش‌های قبلی این مقاله بیان شد، چهارچوب الگوی حکمروایی سرآمد (نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی) را می‌توان در شکل ۵ ترسیم کرد. در این چهارچوب، مؤلفه رسانه، شبکه‌های اجتماعی و فضای سایبری در تمام لایه‌ها نقش‌آفرین هستند.

الگوی حکمروایی سرآمد (نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی)	لایه نهاد		لایه رهبری (م)		لایه نظام اجتماعی (م)	
	اعاد	مؤلفه‌های جمهوری اسلامی	مبانی	تدبیر	دولت	کارکنان
			فطرت (هنداری، عقلانیت، بسوزری)	رهبریت، انتقال، امنیت، اقدار وحدت‌گرم	قدرت، سیاست، ظرفیت	قواعد، نقش، فرآیند، انگیزش، شایستگی و توانمندی
لایه نظارت و ارزیابی (م)			فرسنگ، قانون، جامعه	چشم‌انداز راهبردی آینده، کادرسازی		مترقات، مشورت، ماندگاری و پایداری، سوبلیت‌پذیری و پاکبوی
			استقرار، معیویت و ارزش‌های الهی	پیشرفت، پیرشرف و کارآمدی		اشغال و معیشت، ازدواج، سکون، سلامت، رورش فرزندان
			غرض، بهوشندی، مقابله با نظم و نظام سلطه	شرفیت و کارآمدی		
		حاکمیت اخلاق و قانون	پیشرفت و کارآمدی			
		آزادی، کرامت، شرفیابی	پیشرفت و کارآمدی			
		تأمین حقوق و تکالیف، خدمت به مردم، نظم و اعتماد عمومی	پیشرفت و کارآمدی			
		بهرووری، شایستگی و مداره با ضاده	پیشرفت و کارآمدی			
		ترمیم‌پذیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی	پیشرفت و کارآمدی			

شکل ۵: ابعاد و مؤلفه‌های الگوی حکمروایی سرآمد

اصول حکمروایی سرآمد

در الگوی حکمروایی سرآمد، حکمروایی به‌عنوان سیستم اجتماعی شناخته می‌شود. مفهوم سیستم عبارت است از: کلیت واحدی که از اجزای مرتبط و متعامل با یکدیگر تشکیل شده و ویژگی‌های آن، هدف، اجزا، روابط، محیط، منابع و حالت است و سلسله‌مراتب و پیچیدگی دارد (مرعشی، ۱۳۹۱).

شکل ۶ ویژگی‌های مختلف یک سیستم را نشان می‌دهد و اصول حاکم بر این الگو باید همه این جنبه‌ها را پوشش دهد.



شکل ۶: ویژگی‌های مختلف یک سیستم

بخش عمده‌ای از این اصول، از نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر اقتباس شده است که از آن می‌توان به‌عنوان منشور حکمروایی توحیدی یاد کرد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. اصول حکمروایی سرآمد: هدف

فراهم کردن شرایط رسیدن انسان‌ها به جایگاه عبودیت و خلیفه‌اللهی (سعادت و رستگاری)؛

استقرار عدالت و گرفتن داد و حق مظلوم از ظالم؛

اقامه احکام دینی، حفظ حدود الهی و ترویج ارزش‌های اسلامی؛

سامان‌دهی امور اجتماعی و بسترسازی اصلاح مردم برای رسیدن به دنیا و آخرت

حسنه؛

ایجاد کشوری قدرتمند، آباد، پیشرفته، صاحب حرف نو و عزتمند در سطح جهانی؛
خدمت به محرومان و مستضعفان.

۲. اصول حکمروایی سرآمد: اجزا

تمدن نوین اسلامی؛

جامعه متعالی؛

سازمان سالم؛

خانواده سالم؛

انسان قوی و امین.

۳. اصول حکمروایی سرآمد: روابط

رابطه با خدا: فراهم کردن بستر معرفت، ایمان، معنویت، عبودیت و عمل صالح؛

رابطه با ولی: همراهی امام و امت و تأمین حقوق و تکالیف بین رهبر و مردم؛

رابطه با جامعه: تأمین متعادل حقوق، اقامه عدل و قسط، تأمین رضایت عموم مردم،

تأمین امنیت و ایمنی، مشارکت و انسجام اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر؛

رابطه با انسان‌ها: خیرخواهی، اخوت، مواسات، احسان، اخلاق حسنه، تعاون در

کارهای نیک و الهی، کمک در رفع نیازمندی‌ها (زکات و انفاق)؛

رابطه با نفس: عفت، شجاعت، حکمت، علم، تقوا و کرامت؛

رابطه با دیگر کشورها: عزت، حکمت و مصلحت؛

رابطه با طبیعت: متعهد به صیانت از طبیعت و رعایت حقوق اقلیم زیست.

۴. اصول حکمروایی سرآمد: منابع

سنت‌های الهی؛

مدیریت و رهبری کارآمد؛

سرمایه انسانی شایسته؛

علم و فناوری پیشرفته؛

منابع مالی پایدار (وقف، خمس، زکات، مالیات، جزیه، فیه و انفال)؛

منابع سرزمینی و بین‌نسلی (شامل موقعیت جغرافیایی، نفت و معادن زیرزمینی و دریا).

۵. اصول حکمروایی سرآمد: حالت

متعهد به منافع عمومی و ملی؛

پایبند به تعهدات پذیرفته‌شده؛

پرهیز از کاهلی و شتاب‌زدگی؛

پیشرفت مستمر و شکوفایی پایدار؛

تأیید آداب و رسوم پسندیده.

۶. اصول حکمروایی سرآمد: محیط

مقاوم‌سازی سرزمین و اقلیم زیست؛

همکاری مؤثر و حکیمانه با امت اسلامی؛

تعامل عزتمندانه با کشورهای بی‌طرف؛

مقابله هوشمندانه با ظلم و نظام سلطه.

۷. اصول حکمروایی سرآمد: سلسله‌مراتب و پیچیدگی

اعتقاد به فرهنگ انتظار، مهدویت و تحقق تمدن نوین اسلامی؛

اعتقاد به فرهنگ مقاومت، جهاد و شهادت و زیر بار ذلت و ظلم نرفتن؛

حکمت، بصیرت و اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)؛

متناسب‌سازی در هر مرحله از پیشرفت کشور.

نتیجه‌گیری

در الگوی حکمروایی سرآمد ولیّ فقیه حکمرواست و سه نقش هدایت امت اسلامی، رهبری جمهوری اسلامی و مطالبه‌گفتمان انقلاب اسلامی را برعهده دارد. لایه‌های حکمروایی سرآمد عبارت‌اند از رهبری (امام) و نظام اجتماعی (امت) و مؤلفه‌های هر لایه

به دو بخش مؤلفه‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی (نظارت و ارزیابی) تقسیم شده است.

مؤلفه‌های لایه رهبری مبتنی بر فطرت با مسئولیت امام عبارت‌اند از: دین‌داری، عقلانیت و هنرورزی (در بعد مبانی که نتیجه آن باید استقرار معنویت و ارزش‌های الهی باشد)، اقلیم زیست، استقلال، امنیت، اقتدار و وحدت کلمه (در بعد رسالت که نتیجه آن باید عزت، هوشمندی و مقابله با نظام ظلم و سلطه باشد)، فرهنگ، قانون و جامعه (در بعد تدبیر که نتیجه آن باید حاکمیت اخلاق و قانون باشد)، چشم‌انداز، راهبردهای آینده و کادرسازی (در بعد افق که نتیجه آن باید پیشرفت و کارآمدی باشد).

مؤلفه‌های لایه نظام اجتماعی با مسئولیت امت عبارت‌اند از: قدرت، سیاست و ظرفیت (در بعد دولت که نتیجه آن باید آزادی، کرامت و شکوفایی باشد)، مقررات، مشورت، سازمان‌دهی و هماهنگی، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی (در بعد سازمان که نتیجه آن باید بهره‌وری، شفافیت و مبارزه با فساد باشد)، قواعد، نقش، فرایند، انگیزش، شایستگی و توانمندی (در بعد کارگزاران و نهادها که نتیجه آن باید تأمین حقوق و تکالیف، خدمت به مردم و نظم و اعتماد عمومی باشد)، اشتغال و معیشت، ازدواج، مسکن، سلامت، پرورش فرزندان (در بعد خانواده که نتیجه آن باید تربیت دینی و کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد). دو مؤلفه رسانه و شبکه اجتماعی و فضای سایبری بر همه لایه‌ها تأثیر دارند.

در الگوی حکمروایی سرآمد، ۳۷ اصل به تفکیک هدف (شش اصل)، اجزا (پنج اصل)، روابط (هفت اصل)، منابع (شش اصل)، محیط (چهار اصل)، حالت (پنج اصل)، سلسله‌مراتب و پیچیدگی (چهار اصل) و ۳۳ مؤلفه برای جمهوری اسلامی به تفکیک لایه رهبری (پانزده مؤلفه) و لایه نظام اجتماعی (هجده مؤلفه) و ۲۲ مؤلفه برای انقلاب اسلامی با محوریت حق، عدل و رضایت مردم تعیین شده است. برای استفاده کاربردی از این الگو لازم است ساختار جمهوری اسلامی بر اساس آن بازطراحی شود.

کتابنامه

- اوانز، پیتر (۱۳۸۲). دولت توسعه یا چپاول: نقش دولت در توسعه صنعتی، ترجمه عباس مخبر و عباس زندیاف، تهران، نشر نو.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران، دریا.
- شیراوند، هدیه (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نظریه فطرت از دیدگاه ملاصدرا، استاد مطهری و دکتر شریعتی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- لکزایی، شریف (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مرعشی، سیدجعفر (۱۳۹۱). تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در مدیریت جامعه و سازمان، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰). صحیفه امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- مونبی، لیونل (۱۳۸۷). دایرة المعارف مختصر تاریخ مختصر مصور جهان، ترجمه عبدالحسین سعیدیان، ایرج وفاپی و فریدون کمالی‌نیا، تهران، آرام.